کمیته های کارخانه

در عصر انتقالی، جنبش کارگری، نه یک شخصیت متشکل و کاملاً متعادل، بلکه شخصیت تب آلود و قابل انفجاری دارد. شعارها و نیز شکل های سازمانی باید از شاخص های جنبش پیروی کنند. رهبری، باید در برابر رفتار سرسری، انگار در برابر طاعون، گوش به زنگ باشد، و باید با حساسیت تمام جواب گوی ابتکار توده ها باشد.

اعتصابات نشسته، آخرین جلوه گاه این قبیل ابتکار توده ها، از محدوده ی روش های "عادی" سرمایه داری تجاوز می کند. جدا از درخواست های اعتصاب گران، تسخیر موقت کارخانه ها، ضربه ای است کاری بر این بت، یعنی بت مالکیت سرمایه داری. هر اعتصاب نشسته، به نحوی عملی، این پرسش را مطرح می کند که چه کسی ارباب کارخانه است: سرمایه دار یا کارگر؟

اگر اعتصاب نشسته این پرسش را به طور ضمنی طرح می کند، کمیته ی کارخانه‌بدان جلوه و چهره ای متشکل و سازمانی می دهد. کمیته ی کارخانه که به وسیله ی کارکنان کارخانه انتخاب شده، در برابر اراده ی مدیریت کارخانه بلافاصله وزنه ی مقابلی ایجاد می کند.

در مقابل انتقاد اصلاح طلبان، که رؤسای صنایع به اصطلاح "سلطنت طلب اقتصادی" چون فورد را از استثمارگران به اصطلاح- "نیک" و"دموکراتیک" جدا می کنند، و از دومی به دلیل اولی انتقادی به عمل

www.hks-iran.com

نمی آورند، ما شعار کمیته های کارخانه را به عنوان مرکز مبارزه علیه هر دو نوع استثمارگر قرار می دهیم.

بوروکرات های اتحادیه های کارگری، طبق معمول، در مقابل تشکیل کمیته های کارخانه سد ایجاد خواهند کرد، همان طوری که آنان در مقابل کلیه ی گام های جسورانه ای که در راه بسیج توده ها برداشته می شود، مقاومت نشان می دهند.

با وجود این، هر قدر که وسعت جنبش بیشتر باشد، همان قدر شکستن این سد مقاومت آسان تر خواهد بود. در جائی که کارگاه سربسته[1] در دوران "صلح" تأسیس گردیده، کمیته رسماً با ارگان معمولی اتحادیه کارگری خود را تطبیق خواهد داد. لیکن در کادر آن تجدیدنظر کرده، وظایف آن را گسترده تر خواهد کرد. اما، اهمیت اساسی کمیته در این حقیقت نهفته است که کمیته برای آن اقشار از طبقه ی کارگر که معمولاً اتحادیه ی کارگری از وارد کردن آنان در راه مبارزه عاجز است، ستاد مبارز و انقلابی فراهم می کند. دقیقاً از داخل صفوف همین اقشار ستم دیده تر است که فداکارترین گردان های انقلاب به پا خواهند خاست.

به محض این که کمیته ای در کارخانه پدیدار شد، یک نیروی واقعی دوگانه Dual Power در کارخانه به وجود می آید. ماهیت این نیروی دوگانه طوری است که نماینده وضعی انتقالی است، چرا که شامل دو نظام آشتی ناپذیر، یعنی نظام سرمایه دار و نظام پرولتاریا است. اهمیت اساسی کمیته های کارخانه، دقیقاً در این است که این کمیته ها راه را، اگر نه به روی دورانی عملاً

[1]- کارگاه سربسته – Closed shop به کارگاهی اطلاق می گردد که تمامی کارکنان آن باید عضو اتحادیه ی کارگری ای باشند که با کارفرمای آن کارگاه قرارداد منعقد کرده است.

www.hks-iran.com

انقلابی، دست کم به روی دوران پیش از انقلابی، باز می کنند، دورانی که حد فاصل بین نظام بورژوازی و نظام پرولتاریاست. تبلیغ برای اشاعه ی فکر کمیته های کارخانه، نه زودرس، و نه تصنعی است، چرا که گواه اصالت آن موج اعتصابات نشسته ای ست که هم اکنون در چند کشور مختلف دارد گسترش پیدا می کند. ظهور موج های تازه نفس ازین نوع اعتصابات، در آینده ی نزدیک، اجتناب ناپذیر خواهد بود. لازم است که مبارزه در راه تشکیل کمیته های کارخانه به موقع آغاز شود تا این که کارگران غافل گیر نشده، کار از کار نگذرد.

www.hks-iran.com